



عرفات، یادآور فطرت بشر است

شصتمین روز ماه، (اکثر مسلمانان) بعضی پیاده، بعضی سوار بر شتر و بیشتر سوار بر اتوبوس، رهسپار مینا می‌شوند که دژهای کوچک و بی‌آب و علف است و بخشی از آن را کوه‌های سنگی احاطه کرده‌اند؛ این دره در حدود 9 کیلومتری شرق مکه قرار دارد، اما همچنان در محدوده حرم مقدس قلمداد می‌شود.

در حرم آدم

شصتمین روز ماه، (اکثر مسلمانان) بعضی پیاده، بعضی سوار بر شتر و بیشتر سوار بر اتوبوس، رهسپار مینا می‌شوند که دژهای کوچک و بی‌آب و علف است و بخشی از آن را کوه‌های سنگی احاطه کرده‌اند؛ این دره در حدود 9 کیلومتری شرق مکه قرار دارد، اما همچنان در محدوده حرم مقدس قلمداد می‌شود.

حاجیان شب را آنجا می‌گذرانند و بسته به شرایط موجود، یا در چادرهایی می‌مانند که با خود به همراه آورده‌اند یا زیر آسمان. و صبح روز بعد رهسپار کوه عرفات می‌شوند که واجب است بخشی از روز و بخشی از شب را در آنجا وقوف کنند.

آنجا چند ساعتی در یک چادر نشستیم و عصر که از گرمای شدید اندکی کاسته شد به نقطه بلندتری از کوهی که به جبل الرّحمة معروف است، رفتیم.

از لحاظ خط سیر زمانی اینجا دورترین نقطه حج است، زیرا اگر مکه شهر ابراهیم باشد، عرفات حرم آدم است و زائران به جبل الرحمة می‌روند تا با وجود جمعیت عظیم با خدا خلوت کنند و هر مرد و زن شخصا برای خود بخشش و رحمتی را که خداوند پس از هبوط آدم به او عطا فرمود، تجدید و دریافت کند.

عرفات به واسطه ارتباطی که با آدم دارد در محدوده حرم شمرده نشده است، زیرا کارکرد آن در حج یادآوری نهاد فطری است که از هیچ نظر احاطه پذیر نیست.

از آنجا که واجب است بخشی از شب نیز در آنجا وقوف شود، حاجیان حدود 20 دقیقه پس از غروب آفتاب در آنجا می‌مانند. سپس به محدوده مزبور که جزو حریم شمرده می‌شود بازمی‌گردند.

آنجا شب را در فضای باز، اغلب در نیایش، می‌گذرانند و پس از نماز صبح یا پیش از آن به چادرهایشان در منا بازمی‌گردند.

بیش از این قصد ندارم درباره جزئیات حج سخن بگویم، مگر این که مناسک با هفت بار طواف نهایی دور کعبه – چنان که غیر از این هم نمی‌توانست باشد – به پایان می‌رسد.

حال که عرفات، چه از لحاظ زمان و چه از لحاظ مکان، پیش از مکه قرار دارد، چرا حج به جای #171؛ زیارت مکه»، زیارت عرفات نام نگرفته است؟ در جواب می‌توان گفت عرفات امتداد مکه است، بخشی یا وجهی از آن است، اما نه مقدس‌ترین بخش یا وجه آن (چون حجرالاسود مقدس‌ترین بخش است) و یک جواب کلی‌تر این است که بقای دین به دو عنصر وابسته است: یکی عمودی و دیگری افقی؛ عنصر عمودی وحی ای است که آن را بنیان می‌گذارد و عنصر افقی سنتی است که آن را در طول قرون و اعصار نگه می‌دارد.

وجود مکه به عنوان یک مرکز معنوی از عنصر عمودی جدایی‌ناپذیر است، دین ابراهیم و اسماعیل در آنجا به آنها وحی شد. اما ارتباط عرفات با آدم از طریق سنن به دست ما رسیده است. و به عبارتی می‌توان گفت از لحاظ روحانی، عمودی بر افقی ارجحیت دارد.

در انگلستان وقتی مسلمانان هنگام نماز رو به سمت مکه می‌گردانند، اتفاقاً رو به سوی عرفات هم دارند، اما بدیهی است زمانی که حاجیان بین عرفات و مکه قرار دارند، (هنگام نماز) رو به سوی مکه و پشت به کوه عرفات دارند.

شکی نیست گوهر بصیرت در تمییز میان مفهوم مطلق و مفهوم نسبی نهفته است. این نکته در جای جای نوشته‌های فریتیوف شوآن مورد تأیید و تأکید قرار دارد و او متذکر می‌شود همین تمییز به طریق ثانوی و در رابطه با دامنه نسبیت، شامل اثرات مشهود امر مطلق بر امر نسبی است.

برای ما دامنه نسبیت مورد نظر نمی‌تواند چیزی باشد جز این دنیای ادنی، یعنی همین دنیای جسم و جان که در آن زندگی می‌کنیم، زیرا برای ما امکان دسترسی به هیچ یک از سطوح بالاتر نسبیت، مگر به واسطه الهام خاص، وجود ندارد.

اهمیت آگاهی از این امر بکرات در قرآن مورد تأکید قرار گرفته است و قرآن به روشنی تصریح می کند (مثلاً آیه ۷ سوره روم و آیه ۷ سوره یونس) که بدون فهم این آیات خدا (توأم با ادب و تواضع) در جهان پیرامون ما، دینداری و پرهیزگاری ناممکن است. بعضی از این آیات - این نشانه های ذات مطلق - را می توان در پدیده های حیرت انگیز طبیعت بکر مشاهده کرد؛ بعضی را در ادیان، در پیامبران الهی که برای بنیان نهادن آنها فرستاده شدند و نیز در اولیایی که آنها را تداوم بخشیده اند. برای هر کدام از اینها می توانیم بی وقفه مثال های بی شمار ارائه کنیم.

مارتین لینگز - بخشی از کتاب «مکه از پیش از تورات تاکنون»